



توراه اور • پاراشاها لך لך • مامار 4

והבדילה הפרוכת לכם

«و پردهای برای شما جداکننده خواهد بود»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/lech-lecha/4](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/lech-lecha/4)

1 והבדילה הפרוכת לכם. הנה בע"ח [בעץ חיים] (שער מ"א) מבואר שיש פרסא (וע' בע"ח [בעץ חיים] שער ז' פ"ב [פרק ב'])

«و پرده (פרוכת, paroches) برای شما جدایی افکند.» اکنون، در עץ חיים (עץ חיים) (Sha'ar 41) توضیح داده شده است که حائل (פרסא, parsa) وجود دارد (و نیز بنگرید به עץ חיים, Sha'ar 7, فصل 2).

ובגמרא בכתובות (דק"ו ע"א) איתא י"ג פרוכת היו במקדש שני ז' כנגד ז' שערים כו' ופרש"י [ופירש רש"י / ופירוש רש"י] דלצניעותא עבידי.

و در گمارا، در כתובות (כתובות) (106a)، آمده است: «در معبد دوم سیزده پرده بود: هفت پرده در برابر هفت دروازه، و جز این...»؛ و راشی (רש"י) توضیح می‌دهد که آن‌ها را برای پوشیدگی ساخته بودند.

והיינו כי בלילה היו השערים ננעלים וכדאיתא במסכת תמיד רק ביום היו פתוחים שיהיו נכנסין ויוצאין דרך פתחי השערים והיו מוכרחים להיות פתוחים אעפ"כ [אף על פי כן] הי' [היה] פרוכת לכל שער לצניעות כו'.

یعنی شب‌ها دروازه‌ها را قفل می‌کردند، چنان‌که در رساله Tamid (תמיד) آمده است؛ و تنها روزها آن‌ها را می‌گشودند تا مردم از راه دروازه‌ها وارد و خارج شوند؛ و [با آنکه] ناگزیر بودند باز باشند، باین‌همه برای هر دروازه‌ای پرده‌ای بود تا پوشیدگی را حفظ کند، و جز این.

וענין זה הוא כי הנה העזרה והלשכות הם מכוונים נגד מלכות דאצילות כי למעלה במלכות יש כל הבחי' שבעזרה וגם הר הבית ת"ק אמה כמ"ש בזהר שלח לך (דקס"א ע"ב).

مقصود از این مطلب چنین است: صحن معبد (עזרה, Azarah) و حجره‌ها متناظرند با فرمانروایی (مملکت, Malchus) عالم صدور (اצילות, Atzilus)، زیرا در بالا، در Malchus، همه جنبه‌هایی که در صحن هستند وجود دارند؛ و نیز کوه معبد به اندازه پانصد ذراع است، چنان‌که در זהר (זהر)، [پاراشات] שלח لך (161b)، آمده است.

והנה בלילה תרעין דג"ע [דגן עדן] אסתימו וכמו שננעלים השערים שערי העזרה הגם דכתי' [דכתיב] ותקם בעוד לילה ותתן טרף לביתה היינו בבחי' חיצוניות דוקא

اکنون، شب‌ها «دروازه‌های باغ عدن بسته می‌شوند»، همان‌گونه که دروازه‌ها، یعنی دروازه‌های صحن، قفل می‌شوند. و با آنکه نوشته شده است: «او درحالی‌که هنوز شب است برمی‌خیزد و برای اهل خانه‌اش خوراک فراهم می‌کند»، این کار مشخصاً در بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyyus) است.

וכמו באדם בשעת שינה שהוא הסתלקות וקבוץ החיות מן הדם הוא הנפש לתוך הלב ונסתם הכל בתוכו שאין מתפשט ממנו פנימית החיות רק קיסטא דחיותא וחיצוניות שאז הוא דוקא גילוי והתפשטות חיצוניות החיות

این مانند حال انسان هنگام خواب است: نیروی حیات از خون، که همان نفس است، به درون قلب عقب‌نشینی می‌کند و گرد می‌آید؛ و همه‌چیز در درون آن بسته می‌شود، به‌گونه‌ای که بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) نیروی حیات از آن منتشر نمی‌شود، بلکه تنها اندازه‌ای اندک از حیات (קיסטא דחיותא, kista de-chayusa) و بُعد بیرونی باقی می‌ماند؛ زیرا در آن هنگام، مشخصاً بُعد بیرونی نیروی حیات آشکار و منتشر می‌شود.

כמו כח הזן וכח המעכל שבנפש שהן בחי' חיצוניות לגבי כח השכל והמדות וראיה ושמיעה.

مانند نیروی تغذیه‌کننده و نیروی گوارش در نفس، که در قیاس با نیروی عقل، صفات عاطفی (מדות, middos)، بینایی و شنوایی، بُعد بیرونی‌اند.

2 והתפשטותן עיקרן בשעת שינה שבשעה שאינו ישן ומאיר השכל אז כח המעכל והזן אינן בהתפשטות

כ"כ [כל כך] מצד התכללותן בכח השכל כנר בפני אבוקה ולכן מעכב התפשטותן

گسترش آن‌ها عمدتاً هنگام خواب رخ می‌دهد. زیرا هنگامی که شخص خواب نیست و عقلش می‌تابد، نیروهای هاضمه و تغذیه چندان گسترش نمی‌یابند؛ چراکه در نیروی عقل مستهلک‌اند، همچون شمع در برابر مشعلی فروزان؛ و از این رو [عقل] مانع گسترش آن‌ها می‌شود.

אבל בשעת שינה שמסתלק ממשלת כח השכל אז הן מתפשטין ואז הקיבה מעכל ושולח אל הכבד כו'.

וכח הזן והמעכל והדוחה וכה"ג [וכהאי גוונא] הם כחות חיצוניות ותחתוניות שבנפש.

اما هنگام خواب، وقتی فرمانروایی نیروی عقل کنار می‌رود، آن‌ها گسترش می‌یابند؛ و آن‌گاه معده غذا را هضم می‌کند و آن را به کبد می‌فرستد و غیره. نیروهای تغذیه، هضم و دفع و مانند آن‌ها، نیروهای بیرونی و فروتر نفس‌اند.

וכך למעלה במלכות דאצי' שבלילה תרעין דג"ע [דגן עדן] אסתימו שההארה שנמשך מבחי' מל' בג"ע

[בגן עדן] זיו השכינה זהו עיקר הארת פנימיות המל'

همین‌طور در بالا، در فرمانروایی (מלכות, Malchus) عالم صدور (אצילות, Atzilus): شب‌ها «دروازه‌های باغ عدن بسته می‌شوند». زیرا روشنایی‌ای که از مرتبه فرمانروایی به باغ عدن کشیده می‌شود – پرتو حضور الهی (שכינה, Shechinah) – روشنایی اصلی بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) فرمانروایی است.

(דהיינו שהמשכה מבחי' ג"ר [ג' ראשונות] שבמל' וכמ"ש במ"א בביאור הזהר פ' אחרי) ובלילה מסתלק הארה זו אלא שהשפע' חיצוניות נמשך אז והיינו ותתן טרף בבי"ע (והמשכה זו מבחי' ז"ת [ז' תחתונות] שבמל')

(یعنی این کشش از مرتبه سه مرتبه نخستین [از مراتب تجلی (سפירות, Sefiros)] در فرمانروایی است؛ چنانکه در جای دیگری، در شرح **זהר** درباره پارهای **אחרי מות** توضیح داده شده است.) شبها این روشنایی کنار می‌رود و آنگاه تنها جریانی بیرونی به پایین کشیده می‌شود؛ و این همان معنای «و خوراک می‌دهد» در [عوامل] آفرینش، صورت‌بخشی و عمل است (و این کشش از مرتبه هفت فروتر فرمانروایی است).

וביום נפתחים תרעי דג"ע [דגן עדן] לפי שיש התגברות החסדים חסד אל כל היום ע"כ נמשך אז המשכה הפנימית ואעפ"כ [ואף על פי כן] יש בחי' פרוכת פרסא ونמשך המשכה זו

روزها دروازه‌های باغ عدن گشوده می‌شوند، زیرا مهرها قوت می‌گیرند – «مهر **אל** در تمام روز» – و از این‌رو آنگاه جریان درونی به پایین کشیده می‌شود. با این‌همه، مرتبه‌ای از پرده، یعنی جداکننده، وجود دارد و این جریان به پایین کشیده می‌شود

ע"י אמצעות הפרסא והפרסא היא מבחי' חשמל שהוא מחיצוניות הבינה שמלבیش ומקיף את י"ס [ספירות] דז"א וי"ס [و' ספירות] דנוק' [دنوکבא] כתנו' עור ומלבישם מצדיהם

به واسطه جداکننده. و این جداکننده از مرتبه **הכترום (חשמל, Chashmal)** است، که از بُعد بیرونی فهم (**בינה, Binah**) است؛ آن، ده مرتبه تجلی صفات عاطفی (**ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin**) و ده مرتبه تجلی بُعد مؤنث / فرمانروایی (**نوکבא, Nukva**) را می‌پوشاند و فرا می‌گیرد، مانند جامه‌ای از پوست، و آن‌ها را از پهلوهایشان می‌پوشاند.

وهוא בכדי שלא יהיה יניקת החיצונים ומתחת רגליהם הוא בחי' מנעל להיות הפסק בין אצילות לבריאה וליצירה כו'

این برای آن است که نیروهای بیرونی از آن‌ها تغذیه نکنند. و زیر پاهایشان مرتبه‌ای چون کفش است، تا میان عالم صدور و عوامل آفرینش و صورت‌بخشی جدایی بیندازد و غیره.

(ונעל הזה הוא בחי' המסך והפרסא המפסיק בין אצילות לבריאה כמ"ש בע"ח [בעץ חיים] שמ"א פ"א ופרק ו' ובשער מ' פ"א) וכמו שפירש"י [שפירש רש"י] לצניעות דהיינו שלא יהיה

(این کفش مرتبه پرده و جداکننده‌ای است که میان عالم صدور و عالم آفرینش فاصله می‌اندازد؛ چنانکه در **עץ חיים, Sha'ar** 41، فصل 1 و فصل 6، و در **Sha'ar 40**، فصل 1 آمده است.) و [این همان چیزی است] که راشی (**רש"י**) «برای عفاف» تفسیر کرده است؛ یعنی برای آن‌که نباشد

כל גילוי האור של אצילות בבריאה כ"א בדרך מסך שהמלכות דאצילות בוקע המסך ונעשה עתیک לבריאה (ע' [עין] בע"ח [בעץ חיים] שמ"א פ"א ואגה"ק [ואגרת הקודש] איהו וחיוהי) וכן בכל עולם.

تمام ظهور نور عالم صدور (אצילות, Atzilus) در عالم آفرینش (בריאה, Beriah)، اما فقط از راه پرده است: فرمانروایی (ملכות, Malchus) عالم صدور از پرده می شکافد و عتیک (עתیک, Atik) عالم آفرینش می شود (بنگرید به עץ חיים (עץ حיים), Sha'ar 41, chapter 1, و Iggeres HaKodesh (אגרת הקודש), [نامه] «او و نیروی حیاتش»). در هر عالمی نیز چنین است.

שבבריאה נעשה ג"כ חשמל מחיצוניות הבינה ומקיף לזו"נ [לזעיר אנפין ونוקבא] עד שנעשה מנעל כו' (בע"ח [בעץ חיים] שמ"א פ"א שהמסך שבין בריאה ליצירה אינו מבינה דבריאה אלא מת"ת [מתפאר] דבריאה אלא שבת"ת [שבתפאר] יש ג"כ חשמל כמ"ש הרמ"ז [הרב משה זכות] ס"פ יתרו בשם א"י [אדם ישר]. زیرا در عالم آفرینش نیز از بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) فهم (בינה, Binah)، پوشش چاشمال (חשמל, Chashmal) پدید می آید و صفات عاطفی (ז"א / زعیر انפین, Z'eir Anpin) و بُعد مؤنث / فرمانروایی (نوکبا, Nukva) را فرا می گیرد، تا آن که به کفشی بدل می شود و غیره. (در عץ حיים (عץ حיים), Sha'ar 41, chapter 1, [آمده است] که پرده میان عالم آفرینش و عالم صورت بخشی از فهم عالم آفرینش نیست، بلکه از زیبایی و هماهنگی (تفאר, Tiferes) در عالم آفرینش است؛ بالاین حال، در زیبایی و هماهنگی نیز چاشمال وجود دارد، چنان که راماز (رم"ז) در پایان Parshas Yisro به نام Adam Yashar می نویسد.

وامנם בלקוטי הש"ס [הששה סדרים] מהאר"ז [מהאר"י זכרוננו לברכה] דמ"ז ד"ה לכי ומעטי א"ע [את עצמו] כמ"ש כאן ע"ש ועמ"ש בביאור ע"פ כי ביום הזה יכפר).

اما در Likkutei HaShas (לקוטי הש"ס) از آریزال (האר"ז)، صفحه 16، در بخشی که با «برو و خود را کوچک کن» آغاز می شود، همان گونه است که اینجا نوشته شده است؛ به آنجا بنگرید. همچنین به آنچه در شرح آیه «زیرا در این روز او کفاره خواهد کرد» نوشته شده است بنگرید.

ולהבין ענין חשמל זה מה ענינו הנה מבשרי אחזה כי במדות אין שם התגלות כל השכל שאם כן היו המדות בטלים בהשכל ולא הי' [היה] מהם כלל התפשטות והמשכה

برای فهم معنای این چاشمال، «از تن خویش آن را درمی یابم»: در صفات عاطفی (مדות, middos)، تمام عقل ظهور نمی کند؛ زیرا اگر چنین بود، صفات در عقل مستهلک می شدند و دیگر هیچ گسترش و امتدادی از آن ها پدید نمی آمد.

אלא שאעפ"כ [שאף על פי כן] **מקיף עליהם הארה מועטת מחיצוניות הבינה בחי' התבוננות שלמעלה מן המדות בכדי שלא יהי' [יהיה] יניקת החיצונים שמהמדות יכול להיות אחיזה לסט"א** [לסטרא אחרא]

בاین همه، پرتوی اندک از بُعد بیرونی فهم آنها را فرا می گیرد - مرتبۀ تأملی که بالاتر از صفات عاطفی است - تا نیروهای بیرونی از آنجا بهره گیری نکنند؛ زیرا صفات عاطفی می توانند دستاویزی برای سوی دیگر (סטرا אחרא, sitra achra) شوند،

וכמארז"ל [وكمأمر ربوتینو זכרונם לברכה] **לא כאברהם שיצא ממנו ישמעאל כו' וכן שבה"כ** [שבירת הכלים] **היה בהמדות לפיכך צ"ל בחי' חשמל מקיף שלא יהי' [יהיה] להם יניקה מהמדות אלא בדרך שערות וצפרנים כפי הצורך בלבד**

چنان که حکیمانمان گفتند: «نه همچون ابراهیم (آبراهم) که اسماعیل (یشمعאל) از او پدید آمد» و غیره؛ و نیز شکستن ظرف ها در صفات عاطفی رخ داد. از این رو باید مرتبۀ چاشمال فراگیری وجود داشته باشد، تا نیروهای بیرونی از صفات بهره ای نگیرند، مگر به شیوۀ مو و ناخن و فقط به اندازه نیاز.

(כי חשמל זה הוא מהבינה וחז"ב [וחכמה ובינה] **הן תרין ריעין כו' ומחכמה אין יניקה לחיצונים כנודע מענין הנגעים וכמ"ש ימותו ולא בחכמה לפי שחכמה כח מה בחי' בטול לאור א"ס כו').**

(زیرا این چاشمال از فهم است و حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم دو «همراه» اند و غیره؛ نیروهای بیرونی از حکمت هیچ بهره ای نمی گیرند، چنان که از موضوع **נגעים** (nega'im) [عارضه های پوستی] دانسته است، و چنان که نوشته شده: «می میرند، نه به واسطۀ حکمت»؛ زیرا حکمت نیروی «چه» است - یعنی مرتبۀ خودنهی گری (بیטול, bittul) در برابر نور بی پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) - و غیره.)

ופי' ענין החשמל שמלביש לזו"נ [לזעיר אנפין ونוקבא] **והרי הוא חיצוניות אצלן ואעפ"כ** [ואף על פי כן] **שרשו גבוה מהן שהרי הוא מהבינה.**

توضیح چاشمالی که صفات عاطفی و بُعد مؤنث را می پوشاند این است: در نسبت با آنها بُعد بیرونی است، و باین حال ریشه اش از آنها بالاتر است، زیرا از فهم می آید:

הענין הוא כמו המשל שהוא לבוש להנמשל דהנה צירופי אותיות המשל הם גשמיות נגד הנמשל ולבוש לבד להנמשל

مطلب مانند مَثَل (משל, mashal) است؛ مَثَلی که جامه ای برای آن چیزی است که مَثَل آن را می نمایند (نمشل, nimshal). زیرا ترکیب های حروف مَثَل، در قیاس با آنچه مَثَل می نمایند، مادی اند و تنها جامه ای برای آن به شمار می روند.

אך מ"מ שרש המשל הוא גבוה מאד נעלה שאין כל אדם יכול לומר משלים אלא משלי שלמה ובגמרא אמרו על רבי מאיר תלתא שמעתא ותלתא מתלי ואמרו משמת רבי מאיר בטלו מושלי משלים כו'

بااین‌حال، ریشهٔ مَثَل بسیار بلند و والا است؛ زیرا هر کسی نمی‌تواند مَثَل بگوید، بلکه تنها [کسانی چون] «مَثَل‌های شلومو (שלמה)»؛ و در گمارا (גמרא) دربارهٔ رבי מئיר (רבי מאיר) گفتند: «سه آموزه و سه مَثَل»؛ و گفتند: «از زمانی که رבי מئיר درگذشت، مَثَل‌گویان از میان رفتند» و جز این.

وهיינו כי דוקא מי ששכלו שכל גבוה יכול לצמצם שכלו במשל שיהיה מכוון נגד הנמשל ממש

زیرا فقط کسی که عقلش بلندمرتبه است می‌تواند عقل خود را در مَثَلی فشرده سازد که دقیقاً با آنچه مَثَل می‌نماید مطابقت داشته باشد،

משא"כ מי שאין לו שכל גבוה כל כך די לו במה שיבין השכל כאשר הוא

اما کسی که عقلش چندان بلندمرتبه نیست، به این بسنده می‌کند که اندیشه را همان‌گونه که هست دریابد،

אבל לא יוכל להסביר פנים במשל ואם יאמר משל לא יהי [יהיה] המכוון כו' ועד"ז הוא בחי' החשמל

שהוא לבוש לזו"נ [לזעיר אנפין ונוקבא] כהתלבשות השכל במשל

اما نمی‌تواند آن را با مَثَل روشن سازد؛ و اگر مَثَلی بگوید، آن مَثَل مطابق مقصود نخواهد بود و جز این. مرتبهٔ پوشش (חשמל, Chashmal) نیز از همین سنخ است؛ جامه‌ای برای صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) و بُعد مؤنث / فرمانروایی (נוקבא, Nukva)، همان‌گونه که اندیشه در مَثَل جامه می‌پوشد.

وهיינו לפי שנמשך מהבינה שהיא למעלה מעלה מהמדות כו' רק אח"כ נעשה לבוש לזו"נ [לזעיר אנפין

ונוקבא] והוא למטה מהן כמו שהמשל הוא חיצוניות לגבי הנמשל ולבוש לבד

یعنی، چون از فهم (בינה, Binah) سرچشمه می‌گیرد که بسیار، بسیار بالاتر از صفات عاطفی (مדות) است و جز این؛ اما پس از آن، جامه‌ای برای ز"א / زعير انپين و نوكبا می‌شود و از آن‌ها فروتر است؛ همان‌گونه که مَثَل، در قیاس با آنچه می‌نماید، بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) و صرفاً جامه‌ای برای آن است.

והרי א"כ מובן שיש בבחי' החשמל הזה ב' בחינות א' מצד שרשו שהוא גבוה מאד נעלה למעלה מן

המדות

پس روشن است که در این مرتبهٔ **חשמל** دو جنبه وجود دارد. نخست، از حیث ریشه‌اش، بسیار بلند و والا است و از صفات عاطفی بالاتر قرار دارد،

שהוא מבחי' הבינה והב' מצד התפשטותו בבחי' חיצוניות בבחי' צירופי אותיות שהאותיות הם מדרגה האחרונה שבכל הי"ס [הי' ספירות] (ומה שמלביש החשמל לזו"נ [לזעיר אנפין ונוקבא] היינו כמו אותיות שמלבישי' להמדות כו')

זیرا از مرتبه فهم است. دوم، از حیث گسترش یافتنش، در بُعد بیرونی و به صورت ترکیب‌های حروف است؛ حروف آخرین مرتبه در همه ده مرتبه تجلی (سفירות, Sefiros) هستند؛ و جامه‌پوشی **חשמל** برای **ז"א** / **זעיר אנפין** و **נוקבא** مانند حروفی است که صفات را در جامه می‌پوشانند و جز این.

וזהו פי' חשמל חש מל פי' חש לשון שתיקה היינו מצד בחי' א' שבו שהוא שרשו מהבינה
این معنای **חשמל** (Chashmal) است: **חש** (chash؛ [سکوت])؛ این از جهت جنبه نخست آن است، یعنی ریشه‌اش در فهم (בינה, Binah).

כי סייג לחכמה שתיקה כי הוי"ה בחכמה ולכן החכמה היא בחי' ביטול וזהו השתיקה וע"ד שמש
רבע"ה [רבינו עליו השלום] הי' [היה] כבד פה כו'.

زیرا «سکوت، حصارى برای حکمت است»؛ چون نام چهارحرفی (ה', Havayah) در حکمت (**חכמה**, Chochmah) است، و از این رو حکمت مرتبه خودنهی‌گری (**بیטול**, bittul) است، و این همان سکوت است؛ و به همین قیاس، موسی (**משה**)، استاد ما - سلام بر او - «زبان‌ش سنگین بود» و مانند آن.

ומל' לשון דיבור והתגלות זהו מצד בחי' הב' שבו כשנעשה לבוש לזו"נ [לזעיר אנפין وנוקבא] כמו האותיות שמלבישי' הנמשל ועי"ז יוכל להיות השפעה זהו פי' מל':

و **מל'** (mal؛ [گفتار]) گفتار و آشکار شدن را می‌رساند؛ این از جهت جنبه دوم آن است، هنگامی که جامه‌ای برای صفات عاطفی (**ז"א** / **זעیر אנפין**, Z'eir Anpin) و بُعد مؤنث / فرمانروایی (**נוקבא**, Nukva) می‌شود؛ مانند حروفی که به مضمون مورد تمثیل جامه می‌پوشانند، و از این راه جریان فیض امکان‌پذیر می‌شود. این معنای **מל'** است.

3 והנה זהו בחשמל שבי"ס [שב" ספירות] עצמן וכן במלאכים שיש כמה אלפים רבבות מדרגות כמ"ש היש מספר לגדודיו ויש מהם שהם מבחי' החשמל ע"י כלים דאצילות

اکنون، این امر [چنین] درباره مرتبه حَشْمَل (**حשמל**, Chashmal؛ [پوشش واسط]) در خود ده مرتبه تجلی (سفירות, Sefiros) است. همچنین در میان فرشتگان نیز چنین است؛ آنان مراتب بسیار و بی‌شماری دارند، چنان‌که نوشته شده است: «آیا برای سپاهیان او شماری هست؟» و برخی از آنان از مرتبه **حשמל** هستند که به واسطه ظرف‌های عالم صدور (**اצילות**, Atzilus) پدید می‌آیند.

(ור"ל [ורוצה לומר] שזה שנת"ל [שנתבאר לעיל] הוא ענין החשמל דבינה דאצילות המקיף לזו"נ [לזעיר אנפין ונוקבא] דאצילות כנ"ל וכמו כן יש ג"כ בזו"נ [בזעיר אנפין ונוקבא] דבי"ע ג"כ בחי' חשמל ומזה נמשך המסך שבין בריאה ליצירה ובין יצירה לעשיה.

(مراد این است که آنچه پیشتر توضیح داده شد، مرتبه **حשמל** در فهم (בינה, Binah) عالم صدور است که صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) و بُعد مؤنث / فرمانروایی (נוקבא, Nukva) عالم صدور را فرا می‌گیرد؛ و به همین ترتیب، در صفات عاطفی و بُعد مؤنث عالم آفرینش (בריאה, Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (עשיה, Asiyah) نیز مرتبه‌ای از **حשמל** وجود دارد؛ و از آن، پرده‌ای میان عالم آفرینش و عالم صورت‌بخشی، و میان عالم صورت‌بخشی و عالم عمل پدید می‌آید.

ושם יש ג"כ מלאכים שהם מבחי' חשמל וכידוע שמט"ט [שמטטרון] נק' נעל דשכינתא והרי נתבאר שהנעל זהו בחי' חשמל כו') וע"ז ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] בשעה שהדבור יוצא מפי הקב"ה חשות.

و در آنجا نیز فرشتگانی از مرتبه **حשמל** هستند؛ و چنان‌که شناخته شده است، متاترون (מט"ט, Metatron) «کفش حضور الهی (שכינה, Shechinah)» نامیده می‌شود، و توضیح داده شد که کفش همان مرتبه **حשמל** است و مانند آن. و دربارهٔ همین، حکیمان ما گفتند: «هنگامی که گفتار از دهان قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) بیرون می‌آید، آنان خاموش می‌شوند (חשות, chashos)».

פי' הקב"ה הוא ז"א כמו פי' קוב"ה [קודשא בריך הוא] ושכינתיה שכינת' היינו מה ששוכן ומתלבש בתחתונים וקדוש הוא מובدل כך בחי' מלכות אין מלך בלא עם הוא בחי' השוכן ומתלבש בעם

توضیح این است: «قدوس متبارک» به صفات عاطفی اشاره دارد، چنان‌که در تعبیر «قدوس متبارک و حضور الهی او» آمده است. «حضور الهی او» به آن مرتبه‌ای اشاره دارد که در موجودات فروتر سکونت می‌گزیند و در آنها پوشیده می‌شود؛ حال آنکه «قدوس» یعنی جدا و برکنار. پس مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus) – «هیچ پادشاهی بدون مردمی نیست» – همان مرتبه‌ای است که در میان مردم سکونت می‌گزیند و در آنان جای می‌گیرد،

משא"כ מדותיו ית' לך ה' הגדולה כו' אין להם ערך ויחס לעם וזהו בחי' קדוש.

درحالی‌که صفات او – متبارک باد – «ای نام چهارحرفی (ה', Havayah)، بزرگی از آن توست» و مانند آن، هیچ نسبت یا تناسبی با مردم ندارند؛ و این همان مرتبه «قدوس» است.

4 והדבור שיוצא מפי הקב"ה הוא בחי' התגלות היינו מל מחשמל והוא כשזו"נ [כשזעיר אנפין ונוקבא] בוקעי'

[בוקעים / בוקעין] המסך ויורדי' ומתגלי' בעולם שלמטה

و گفتاری که از دهان قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) بیرون می‌آید، مرتبة تجلی است؛ یعنی بُعد «مل» (گفتار) در حשמל (Chashmal). این هنگامی است که صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) و بُعد مؤنث / فرمانروایی (نوکبا, Nukva) پرده را می‌شکافند، فرود می‌آیند و در جهان پایین آشکار می‌شوند.

ואזי הם המלאכים חשות שהם נכללים בביטול שנמשך מבחי' חכמה כנ"ל בענין סייג לחכמה שתיקה

آن‌گاه فرشتگان خاموش‌اند (حשות, chashos)، زیرا در خودنهی‌گری (ביטול, bittul) که از مرتبة حکمت (حכמה, Chochmah) جاری می‌شود، مستغرق می‌گردند؛ چنان‌که پیش‌تر درباره «سکوت، حصار حکمت است» توضیح داده شد.

משא"כ כשאין הדבור יוצא כו' שהוא בחי' הסתלקות אז הם ממללות שהם ברעש גדול ואומרי' ברוך כבוד כו'.

اما هنگامی که گفتار بیرون نمی‌آید و مانند آن، یعنی در حالت کناره‌گیری، آن‌گاه آنان سخن می‌گویند (مملלות, memallelos)، زیرا «با غوغایی عظیم» هستند و می‌گویند: «مبارک است جلال...» و مانند آن.

זהו ענין החשמל שמקיף ומלביש לזו"נ [לזעיר אנפין وנוקבא] מצדיהן שהוא בכדי שלא יהי' [יהיה] יניקת החיצונים. אך מתחת רגליהם הוא בחי' מה יפו פעמיך بنעלים בת נדיב הוא בחי' מלכות.

این همان حשמל است که از دو سوی Z'eir Anpin و Nukva آنان را احاطه می‌کند و می‌پوشاند، تا نیروهای بیرونی نتوانند از آن‌ها روزی بگیرند. اما زیر پاهایشان، مرتبة «چه زیباست گام‌هایت در کفش‌ها، ای دختر نجیب‌زاده» است؛ و این مرتبة فرمانروایی (ملכות, Malchus) است.

נעל זה אינו לבד בשביל שלא יהי' [יהיה] יניקת החיצונים אלא הוא מפסיק שלא יהי' [יהיה] גילוי כל האור שבאצילות דאיהו וגרמוהי חד להיות כך בבריאה

این کفش نه‌فقط برای آن است که نیروهای بیرونی نتوانند روزی بگیرند؛ بلکه حائل است تا تمامی نور موجود در عالم صدور (أצילות, Atzilus)، جایی که «او و ظرف‌هایش» (איהו וגרמוהי, ihu vegarmohi) یکی‌اند، در عالم آفرینش (בריאה, Beriah) چنین آشکار نشود،

אלא שיהי' [שיהיה] בחי' בריאה יש והיינו ע"י שהמסך מפסיק בין אצי' לבריאה והאור שנמשך מאצי' ע"י המסך להחיות בריאה הוא אור של تولדה

بلکه بریا باید در مرتبة «چیزی» (יש، yesh) باشد. یعنی، به واسطه پرده‌ای که میان **اצלילות** و **بریا** حائل است، نوری که از **اצלילות** از طریق پرده جاری می‌شود تا به **بریا** حیات ببخشد، نور مشتق (اور של تولדה، or shel toldah) است.

ולכן נק' הבריאה יש מאין והגם دممך הכל כתיב וכולא קמיה כלא חשיבי עכ"ז [עם כל זה] נק' יש מאין מפני שהתהוות היש הוא מבחי' האור שנמשך ע"י הפרסא שהוא בחי' אין

ازاین‌رو بریا «چیزی از هیچ» (יש מאין، yesh me-ayin) نامیده می‌شود. و با آن‌که نوشته شده است: «همه‌چیز از توست» و «همه‌چیز در برابر او هیچ به‌شمار می‌آید»، با این همه، آن را «چیزی از هیچ» می‌نامند؛ زیرا پدیدآمدن آن چیز از مرتبة نوری است که از طریق حائل جاری می‌شود، و آن مرتبة «هیچ» (این، ayin) است،

שהרי אין זה מהות ועצמות האור شلفני הפרסא אלא اور של تولדה שהוא בחי' אין לגבי עצم האور شلمעלה מהפרסא.

زیرا این، ماهیت و ذات نوری نیست که پیش از حائل قرار دارد، بلکه نوری مشتق است که در قیاس با ذات نور فراتر از حائل، مرتبة «هیچ» است.

(ועיין בזוהר ח"ב [חלק ב'] דע"ח ב' רזא דחשמל כו' ובזוהר הרקיע שמ' ובהרמ"ז [ובהרב משה זכות] ובספר הדרת מלך סי' ל' וסי' נ"ה):

(و بنگريد به زوهار (זהר)، جلد 2، صفحة 78b، «راز حשמל (Chashmal)» و غيره، و نیز به زوهار هاراکيا (زوهار הרקיע) در همان‌جا، و رماز (هرم"ז)، و کتاب هدرا ت ملخ (הדרת מלך)، بخش‌های 30 و 55).

5 והנה בשבת מאיר אור האצלילות למטה על ידי התלבשות הבריאה לבד ואינו אלא מסך אחד

اکنون، در روز **שבת** (Shabbos)، نور عالم صدور (**اצלילות**، Atzilus) در پایین می‌تابد، در حالی که تنها در عالم آفرینش (**بریا**، Beriah) پوشیده شده است، و فقط یک پرده وجود دارد.

משא"כ בימות החול יש הפרש בין א"י [ארץ ישראל] לח"ל [לחוץ לארץ] שבא"י [שבארץ ישראל] ההנהגה ע"י יצירה ובח"ל [ובחוץ לארץ] ע"י עשייה. והנה כל זה עדיין בבחי' קדושה וצבא השמים לך משתחווים שגם היש בטל

اما در روزهای هفته، میان سرزمین اسرائیل و بیرون از آن تفاوتی هست: در سرزمین اسرائیل، تدبیر [الهی] از طریق عالم صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) است و در بیرون از آن، از طریق عالم عمل (עשיה, Asiyah). اکنون، همه اینها هنوز در قلمرو قدوسیت است، و «سپاه آسمان در برابر تو سجده می کنند»، زیرا حتی وجود مستقل نما (יש, yesh) نیز به خودنمایی گری (ביטול, bittul) تن می دهد.

(ولکن פרכת ופרסות הנ"ל הם בחי' פרכת המבדילות בין קדש לקדש שהרי הפרסא המבדיל בין ע"ס [עשר ספירות] דיצירה לע"ס [לעשר ספירות] דעשייה הרי גם ע"ס [עשר ספירות] דעשייה הוא קודש)

(بنابراین، پرده ها و جداکننده های پیش گفته از سنخ پرده هایی اند که قدس را از قدس جدا می کنند؛ زیرا در مورد جداکننده ای که میان ده مراتب تجلی (سפירות, Sefiros) ی یצירה و ده سפירות عשיה است، ده سפירות عשיה نیز مقدس اند.)

אך מעשייה ולמטה יש עוד מסך ופרסא הוא ק"נ [קליפת נוגה] והוא בחי' ערלה החופפת על הברית

اما از عשיה به پایین، پرده و جداکننده دیگری هست، یعنی پوسته درخشان (ק"נ, kelipas nogah)، و این همان مرتبه پوست ختنه گاه (ערלה, orlah) است که عهد را می پوشاند.

(כמ"ש בע"ה [בעץ חיים] ש"מ [שער מ'] פ"א ונק' ק"נ [קליפת נוגה] כו' והיא הערלה המכסה על היסוד) והוא הבדלה בין קדש לחול

(چنان که در **עץ حיים** [عץ حיים]، Sha'ar 40، فصل 1، نوشته شده است: آن را **ק"ن** می نامند، و این همان پوست ختنه گاهی است که بنیاد (یسود, Yesod) را می پوشاند.) و این همان جدایی میان مقدس و امور عادی و دنیوی (חול, chol) است.

(ואפשר שהפרסא הוא בין ע"ס [עשר ספירות] דעשייה לק"נ [לקליפת נוגה] וא"כ אפשר הוא ג"כ בחי' חשמל המפסיק בין ע"ס [עשר ספירות] דעשייה לנוגה.

(و ممکن است جداکننده میان ده سפירות عשיה و **ק"ن** باشد؛ و در این صورت، ممکن است آن نیز مرتبه ای از واسطه جداکننده [حائل میان دو قلمرو] (חשמל, Chashmal) باشد که میان ده سפירות عשיה و **نوگه** قرار می گیرد.)

**גם במ"א בפ' ואתחנן ע"פ שמע כו' נתב' ג"כ שההבדלה הוא ע"י בחי' חשמל וגם במ"א נת' [נתבאר]
 ענין בחי' עטופים שהוא ממוצע בין קדושה לק"נ [לקליפת נוגה] כו']**

همچنین، در جای دیگری، در (Va'eschanan) وאתחנן Parshas، دربارهٔ آیه «בשנו [ای اسرائیل]»، و جز آن، نیز توضیح داده شده است که جدایی از طریق مرتبهٔ حשמל است؛ و در جای دیگری نیز دربارهٔ مرتبهٔ گلهٔ ناتوان (عטופים, atufim) توضیح داده شده است که میانِ قدوسیت و ק"נ واسطه است، و جز این).

**וזהו ענין אשר ברא אלהים לעשות לתקן ותורמסין צריכין תקון כו' כי האדם נברא בצלמנו כדמותנו
 ויש לו מסך זה**

این است معنای «آنچه اَلקים آفرید تا به انجام رساند» - یعنی اصلاح کند؛ و «ترمس‌ها نیازمند اصلاح‌اند»، و جز این. زیرا انسان «به صورتِ ما، بر طبقِ شباهتِ ما» آفریده شد و این پرده را دارد،

וצריך לתקן להיות החול בחי' חולין שנעשו על טהרת הקדש והיינו ע"י שנכללים בקדושת השבת
 و باید [آن را] اصلاح کند تا امورِ دنیوی به مرتبهٔ «چیزهای دنیوی‌ای که با طهارتِ قدس آماده شده‌اند» بدل شوند؛ و این از آن‌روست که در قداسَتِ شَبَات (שבת, Shabbos) مندرج می‌شوند.

**כי שבת הוא קודש שאז מאיר אור האצילות ע"י הבריאה בלי מסך שבין בריאה ליצירה ובין יצירה
 לעשייה וכ"ש [וכל שכן] שק"נ [שקליפת נוגה] אינו מפסיק אז שמאير שלא על ידו כו'**

زیرا **שבת** مقدس است: آن‌گاه نورِ عالمِ صدور (אצילות, Atzilus) از طریقِ عالمِ آفرینش (בריאה, Beriah) می‌تابد، بی‌آن‌که پردهٔ میانِ عالمِ آفرینش و عالمِ صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و میانِ عالمِ صورت‌بخشی و عالمِ عمل (עשייה, Asiyah) حائل باشد؛ و به‌طریقِ اولی، پوسته (קליפה, kelipah) نورانی (נוגה, nogah) نیز آن‌گاه مانع نمی‌شود، زیرا [نور] از طریقِ آن نمی‌تابد، و غیره.

**ולכן האדם הוא מובدل ממלאכת החול שאינו עוסק בדברים גשמיים אלא שבת להו"ה אלהיך בבחינת
 ביטול הגם שהוא ביטול דבריאה בחינת יש מי שבטל כו'**

ازاین‌رو، انسان از کارِ روزهای هفته جدا می‌شود و به امورِ جسمانی نمی‌پردازد؛ بلکه «شباتی برای نامِ چهارحرفی (ה', Havayah)، **אלהיך**» است، در حالتِ خودنفی‌گری (ביטול, bittul)؛ هرچند این خودنفی‌گریِ عالمِ آفرینش است، مرتبه‌ای که در آن [هنوز] کسی هست که خودنفی‌گر است، و غیره.

משא"כ בימות החול שהתהוותו ע"י יצירה ועשייה שם יש קליפת נוגה החופפת אך ע"י שמברר בששת ימי החול בירורי נוגה יגיע כפיד

اما در روزهای هفته، که پدیدآمدنشان از راه عالم صورت بخشی و عالم عمل است، پوستۀ نוגه بر فراز آنها سایه افکنده است. ولی با پالایش نוגه در شش روز هفته – «دسترنج دستانت،

כי תאכל שעוסק באמונה לשם שמים ומתפלל ולומד בכח זה ע"י נעשי [נעשית / נעשים] החולין עטה"ק [על טהרת הקודש] וע"י אומרים במו"ש [במוצאי שבת] ברוך המבדיל בין קודש לחול כי להיות הבדלה ופרסא הוא ממקום גבוה ונעלה כנ"ל בענין חשמל כו'

هنگامی که آن را می خوری: او با امانت داری و برای آسمان کار می کند، و با نیرویی که از این کار می گیرد دعا می کند و می آموزد؛ از این راه، امور دنیوی با طهارت قدس آماده می شوند. و به همین مناسبت، هنگام پایانِ **שבת** می گوییم: «مبارک [است او] که میان مقدس و دنیوی جدایی می افکند»؛ زیرا وجود جدایی و پرده از جایگاهی بلند و والا سرچشمه می گیرد، چنان که پیش تر دربارهٔ **חשמל (Chashmal)**، و غیره، توضیح داده شد.

וברוך ونמשך משם להיות מאיר דרך הפרסא כ"א לא היה הפרסא לא היה שום התהוות חדוש יש מאין ולא היה תקון חולין שנעשו עטה"ק [על טהרת הקודש]

و «مبارک» (برוך, baruch) [یعنی] از آنجا فرود آورده و جاری می شود تا از میان پرده بتابد. زیرا اگر پرده ای نبود، هیچ پدید آمدن امر نو از نیستی رخ نمی داد و هیچ اصلاحی در امور دنیوی آماده شده با طهارت قدس صورت نمی گرفت.

(רק קדש לבד وכוונת הבריאה דירה בתחתונים הוא שיהי [שיהיה] יש ונפרד בחי' חול רק שיהי [שיהיה] אח"כ ביטול היש טהרת הקודש)

(فقط قداسِ محض؛ و مقصود آفرینش، سکونتگاهی در میانِ عوالمِ فرودین (دירה בתחתונים, dirah betachtonim)، این است که موجودی جداگانه، مرتبۀ امرِ دنیوی (יש)، وجود داشته باشد؛ تنها برای آن که پس از آن، خودنهی گری این موجود و طهارت قدس پدید آید.)

והנה בהתגלות האור דרך הפרסא עדיין הוא קדושה עד סוף העשייה ששם מקום הנוגה וזהו מצות מילה מל י"ה שהוא מל מחשמל דבינה שהוא מבחי' י"ה

اکنون، در آشکارشدن نور از میان پرده، این نور تا پایانِ عالمِ عمل همچنان مقدس است؛ آنجا جایگاهِ نוגه است. و این همان فرمانِ ختنه (מצוה, mitzvah؛ مילה, milah) است: **מל יו"ד-ה"א (מל י"ה, mal Yud-Hei)**، که همان **מל حשמל** فهم (בינה, Binah) است و از مرتبۀ **יו"ד-ה"א** می آید،

כי חו"ב [חכמה ובינה] הן תרין ריעין דהיינו שכשמסירים הערלה שהיא ק"נ [קליפת נוגה] אז נשאר רק חשמל דבינה שהוא הלבוש שצ"ל כמבואר למעלה בכדי שיהי' [שיהיה] התהוות ביי"ע כו' אבל הערלה שהיא ק"נ [קליפת נוגה] צריך להסיר.

זיכר חכמת (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah) «دو یار» هستند. یعنی وقتی پوستِ ختنه‌گاه، که همان پوستِ درخشان (קליפת נוגה, kelipas nogah) است، برداشته شود، تنها پوشش (חשמל, Chashmal) بیנה باقی می‌ماند؛ این همان پوششی است که باید وجود داشته باشد، چنان‌که در بالا توضیح داده شد، تا عالم آفرینش (בריאה, Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (עשיה, Asiyah) پدید آیند و غیره؛ اما پوستِ ختنه‌گاه، یعنی کליפת نוגה، باید برداشته شود.

ומתחילה הוצרך להיות כך כדי שיהי' [שיהיה] יניקה לק"נ [קליפת נוגה] וממנה לקליפות הטמאות שק"נ [שקליפת נוגה] **היא המפרדת בין הקדושה ובין כל קליפות טמאות ממש אבל אח"כ העבודה לברר ק"נ** [קליפת נוגה] **ולהפכה לקדושה כו' :**

در آغاز لازم بود چنین باشد تا کلیפת نוגه تغذیه شود و پوسته‌های ناپاک (کلیפות, kelipos) از آن تغذیه کنند؛ زیرا کلیפת نוגه میان قداست و همه پوسته‌های کاملاً ناپاک حائل است. اما پس از آن، خدمتِ انسان این است که کلیפת نוגه را پالایش کند و آن را به قداست بدل سازد و غیره.

6 והנה בהסיר הערלה אז נעשה אב המון גוים שיתוספו نیצוצות להתכלל באלקות מחמת שלא יהי' [יהיה] מסך הנוגה וע"ז נאמר אני הנה בריתי אתך והיית לאב המון גוים.

اکنون، هنگامی که غلفه برداشته می‌شود، او «پدرِ انبوهی از ملت‌ها» می‌شود؛ زیرا جرقه‌هایی افزوده می‌شوند تا در الوهیت جای گیرند، چون دیگر پرده‌ای از نُوگه، یعنی «درخشش» (نوگه, nogah)، وجود ندارد. و دربارهٔ این امر گفته شده است: «من - اینک عهد من با توست، و تو پدرِ انبوهی از ملت‌ها خواهی شد.»

אני זקף גדול כי אני אותיות אין שמלכות הוא הכתר וזקף גדול דהיינו כשהיא מתעלית למעלה כו'.

«أني» (אני, ani؛ «من») [علامتِ نغمه‌گذاری] زاکفِ گادول (زکفِ גדול, zakef gadol؛ «ایستادهٔ بزرگ») را دارد؛ زیرا آنی حروفِ عین (אין, ayin؛ «هیچ») را دارد، چراکه فرمانروایی (ملכות, Malchus) همان تاج (כתר, Keser) است؛ و زاکفِ گادول [یعنی] هنگامی که آن به بالا برکشیده می‌شود، و جز این.

ופי' שע"י המילה הרי בריתי ממש אתך והיינו התגלות היסוד כי כל הפרסא הכל הוא בבחי' היסוד בכל עולם יסוד אבא כו'

توضیح این است: از طریق ختنه، «عهد من» خود «با تو» می‌شود؛ یعنی آشکارشدن بنیاد (Yesod, יסוד). زیرا سراسر حائل، در هر عالم، در مرتبه بنیاد است: بنیاد آبا (אבא, Abba) و جز آن،

עד סוף העשייה שנעשה ערלה ממש ובכריתת הערלה נעשה התגלות בריתי ממש אני זקף גדול כו' להיות אתך ממש שורה ומתגלה למטה כמו למעלה.

تا پایان عالم عمل (עשייה, Asiyah)، جایی که به غلفه‌ای واقعی بدل می‌شود؛ و با بریدن غلفه، «عهد من» خود آشکار می‌گردد. - «من» با زاکف گادول، و جز این - تا واقعاً «با تو» باشد و در پایین، همان‌گونه که در بالا، سکونت کند و آشکار شود.

(ור"ל [ורוצה לומר] שע"י כריתת הערלה יורד ونמשך מבחי, אני בבחי' יסוד כמ"ש בע"ח [בעץ חיים] שכ"ז [שכל זמן] שהערלה דבוקה לא נמשכו גלוי אורות עליונים ביסוד אלא הם סתומים למעלה כו' ובכריתת הערלה נמשך בחי' אני אותיות אין בבחי' בריתי וכ"ז נמשך אתך ממש כו') :

(مقصود این است: از طریق بریدن غلفه، [نور] از مرتبه «من» به مرتبه بنیاد فرود می‌آید و به آن کشیده می‌شود؛ چنان‌که در عتس حاییم (עץ חיים, Etz Chaim) نوشته شده است که تا هنگامی که غلفه چسبیده باشد، آشکارشدن انوار فوقانی به بنیاد کشیده نمی‌شود، بلکه آن‌ها در بالا پوشیده می‌مانند، و جز این؛ و با بریدن غلفه، مرتبه آنی، یعنی حروف عین، به مرتبه «عهد من» کشیده می‌شود، و همه این‌ها واقعاً «با تو» کشیده می‌شوند، و جز این.)



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/lech-lecha/4

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک